



تهدید هسته‌ای اسرائیل دیگران را وادار به تجدیدنظر می‌کند

سیدعباس عراقچی، دبیر شورای راهبردی روابط خارجی دیروز در پتل «موازنه بعد از طوفان الاقصی» در سطح منطقه‌ای، در چارچوب سمینار شبکه الجزیره در شهر دوحه قطر، با تأکید بر اصول بنیادین جمهوری اسلامی ایران در حمایت کامل از ملت و مقاومت فلسطین تأکید کرد: «ایران مخالف عادی‌سازی روابط با اسرائیل است و ما این موضع و نگرانی خود را به برادران عرب که روابط با اسرائیل برقرار کرده‌اند و آنهایی که در اندیشه آن هستند، ابراز داشته‌ایم. ما عادی‌سازی را خیانت به فلسطین و مسئله فلسطین می‌دانیم.» وی افزود: «ایران مخالف به اصطلاح راه‌حل موسوم به دودولتی است و این راه‌حل هرگز موفق نخواهد شد.» عراقچی افزود: «اسرائیل نمی‌تواند به‌طور اصولی راه‌حل دودولتی را چه نتایجی وجود داشته یا نداشته باشد، قبول کند.»

وی گفت: «راه‌حل ایران بر مبنای یک کشور واحد است که ساختار آن از طریق اجرای همه‌پرسی بین همه ساکنان اصلی - مسلمانان و یهودیان و مسیحیان - شکل گیرد.» وی گفت: «اسرائیل داشتن سلاح هسته‌ای را نه رد و نه تأیید کرده و گزینه ابهام راهبردی را در زمینه داشتن سلاح هسته‌ای برگزیده است اما به نظر می‌رسد که بعد از عملیات طوفان الاقصی و گذشت هشت ماه از مقاومت در غزه، اکنون اسرائیل مجبور شده است که از چارچوب این ابهام راهبردی خارج شود و همانطور که عمرو موسی، دبیرکل سابق اتحادیه عرب گفت، اظهارات مسئولان اسرائیلی تنها در حد تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای نیست بلکه به‌طور تلویحی اشاره می‌کند که کابینه تندرو کنونی در اسرائیل ممکن است که از آن استفاده کند.» عراقچی در سخنرانی خود در این پتل افزود: «تهدید هسته‌ای اسرائیل معادله امنیتی را در منطقه تغییر خواهد داد و دیگران را مجبور خواهد کرد که در موقعیت هسته‌ای خود بازاندیشی کنند.» وی تأکید کرد که باید منطقه خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای باشد و باید رژیم صهیونیستی خلع سلاح هسته‌ای شود.



آژانس آماده همکاری با ایران است

رافائل ماریانو گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در پیامی درگذشت آیت‌الله رئیسی، حسین امیرعبداللهیان و سایر همکاران را تسلیت گفت. به گزارش ایسنا، در پیام مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خطاب به رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان آمده است: اطلاع از درگذشت غم‌انگیز و ناهنگام جناب آقای سیدابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری اسلامی ایران، جناب آقای حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه و سایر مقامات محترم جمهوری اسلامی ایران خزن‌آور بود. اجازه دهید به نمایندگی از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مراتب صمیمانه‌ترین همدردی خود را با خانواده‌های آن‌ها، دولت و مردم ایران ابراز نمایم. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در چنین دوران سختی آماده همکاری بیشتر با ایران بوده و حمایت کامل خود را نسبت به اطمینان از تداوم تلاش‌ها مبدول می‌نماید. عمیق‌ترین مراتب تسلیت ما را پذیرا باشید.

ایران به پذیرش قطعنامه شورای امنیت و متوقف کردن جنگ، تقویت کند؛ سوریه بتواند از این اتحاد برای تقویت همبستگی در صفوف اعراب استفاده کند و برای اردن هم که شورای همکاری خلیج فارس در هنگام تأسیس، او را نادیده گرفته بود برد در پی داشته باشد و البته نباید فراموش کنیم که متوقف کردن جنگ و وجود روابط متوازن بین ایران و کشورهای عربی خلیج فارس] دو موفقیت بی‌سابقه محسوب می‌شدند. دو رئیس جمهور نتوانستند در این نکته به هیچ توافقی برسند. صدام به صدور بیانیه اصرار داشت و محکم روی آن ایستاده بود و اسد هم به اعلان اتحاد دو کشور اصرار می‌کرد. اما دو رئیس جمهور، آیا وجود نرسیدن به توافق] به کلی در راسته و تا حدی آن را باز گذاشتند و توافق کردند دیدارهای سری در سطح وزرای خارجه ادامه یابد. ملک حسین به تلاش‌های خستگی‌ناپذیرش ادامه می‌داد تا پل ارتباطی‌ای بین دو کشور برقرار و نوعی اتحاد عراقی-سوری-اردنی برپا نماید و مسیر را، از دری که دو رئیس جمهور باز گذاشته بودند، در سطوح دیگر پی بگیرد.»

دلایل حضور مستشاری ایران در سوریه

از دیدگاه ساختاری آنچه موجب شد تا کشورهای خاورمیانه عربی به‌ویژه عربستان بخواهند تا از بحران سوریه استفاده کرده و جلوی نفوذ ایران و احساس تهدید امنیت خود را که ناشی از آن است بگیرند، یکی ناشی از تلقی ایجاد هلال شیعی توسط ایران و دیگری تهدید ناشی از سرنایت یا صدور انقلاب اسلامی بود که به محور مقاومت شکل داده است.

در برابر، از همین منظر ساختاری، جمهوری اسلامی ایران براساس موقعیت سوریه در اتصال دادن حلقه‌های پراکنده محور مقاومت شامل ایران، حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین و همچنین تلقی حیاط خلوت راهبردی از این کشور در مجاورت مرزهای اسرائیل، به‌عنوان دشمن راهبردی خود، وارد سوریه شد. این امر، یعنی ورود مستشاری به سوریه را نه تنها می‌توان در زمره سازه هویتی ایران در منطقه دانست که از کشورها و گروه‌ها تلقی دوست یا دشمن دارد بلکه به لحاظ ساختاری، بقای دولت اسد در سوریه، موازنه‌قوا در منطقه را به نفع ایران و به ضرر قدرت‌های منطقه‌ای ترکیه، عربستان و اسرائیل نگاه می‌دارد.

همچنین تلقی ایران در خصوص آنچه سال ۲۰۱۱ و متعاقب بهار عربی در سوریه آغاز شد، با آنچه کشورهای مخالف رژیم سوریه و عرب در صدد القای آن هستند، متفاوت است؛ تهران معتقد است که جنگ داخلی سوریه بیش از آنکه منبع داخلی داشته باشد دارای منبعی خارجی است و مشکلات داخلی سوریه، عرصه و منبعی برای بهره‌برداری و رقابت بازیگران و قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده بود. بنابراین از دید ایران، ناآرامی‌های سوریه از جنس خیزش مردمی بهار عربی با بیداری اسلامی نبود. از همین منظر نیز ایران با تلقی همسرنوشت بودن با سوریه، برای نجات حکومت این کشور از سقوط، راهی فرامرزها شد.

رهبر انقلاب در دو مقطع در خصوص حضور مستشاری ایران در سوریه و ارتباط آن با امنیت و منافع ملی بیان کرده‌اند که «کسی که از اینجا می‌رود در عراق یا در سوریه به عنوان دفاع از حریم اهل‌بیت در مقابل این تکفیری‌ها می‌ایستد، در واقع دارد از شهرهای خودش دفاع می‌کند» و «اگر این‌ها مبارزه نمی‌کردند، این دشمن می‌آمد داخل کشور، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استان‌ها با این‌ها می‌جنگیدیم و جلوی این‌ها را می‌گرفتیم».

هرچند حضور نظامی و مستشاری ایران در سوریه، حکومت بشار اسد را از خطر قطعی سقوط نجات داد اما تداوم این حضور و استفاده از خاک این کشور برای نزدیکی ایران به مرزهای فلسطین اشغالی نیز برای دمشق بی‌هزینه نیست؛ بمباران گاه و بیگاه فرودگاه دمشق و اراضی این کشور توسط ارتش اسرائیل به بهانه بمباران نیروها و تسلیحات ایرانی، موضوعی است که نباید در بررسی روابط ایران و سوریه مغفول بماند که این کشور را به تعبیری به گروگان درگیری ایران و اسرائیل تبدیل کرده است. شرایطی که همسایه سوریه، یعنی عراق تلاش دارد خود را از آن خارج کرده و به‌اندازن مقامات سیاسی بغداد، شرایط مشابهی را در روابط ایران و آمریکا ایفا کند.

جهان چندقطبی و ادراک غلط ما از روابط با سوریه

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین و استاد روابط بین‌الملل در یکی از سخنرانی‌های اخیر خود گفت: «جهان از قطب‌ها خارج شده و این به معنای آن نیست که کشورهای قدرتمند دیگر وجود ندارند یا رقابت در حوزه قدرت نیست، بلکه این دوگانه‌فکری و حمایت دیگر به آن شکلی که می‌شناختیم وجود ندارد و این را عرب‌فهمیده‌اند.»

بشار اسد ماه گذشته در مصاحبه‌ای تأکید کرد که سوریه گاه‌به‌گاه با واشنگتن دیدار می‌کند، زیرا این کشور به‌دنبال گشایش‌هایی پس از بیش از یک دهه انزوا است. رئیس‌جمهور سوریه که با وزیر خارجه آن‌زایا که خود روزنامه‌نگار است، گفت‌وگو می‌کرد، افزود: «آمریکار در حال حاضر به‌طور غیرقانونی بخشی از سرزمین‌های ما را اشغال می‌کند... اما ما هرگز گاهی با آنها ملاقات می‌کنیم، اگرچه این دیدارها به هیچ نتیجه‌ای منجر نمی‌شود». او در پاسخ به سوالی درباره احتمال اصلاح روابط با غرب گفت: «همیشه امید وجود دارد؛ حتی زمانی که می‌دانیم هیچ نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد، باید تلاش کنیم».

خدا، معاون رئیس‌جمهور سوریه در رأس یک هیئت بلندپایه و با پیامی از حافظ اسد وارد ایران شد. وی به هنگام ورودش به تهران گفت که سوریه برای ایجاد روابط دوستانه و برادرانه میان ایران و جهان عرب تلاش خواهد کرد.

در همین راستا وزیر امور خارجه سوریه مجدداً در ژوئیه ۱۹۹۳ از تهران و ابوظبی دیدار کرد. با این حال دمشق در تلاش‌های میانجیگرانه خود توفیقی به دست نیاورد زیرا وزارت امور خارجه سوریه در اواخر اکتبر ۱۹۹۳ (آبان ۱۳۷۲) اعلام کرد که این کشور با ایران در مورد جزایر سه‌گانه اختلاف‌نظر دارد. این کشور در چارچوب اتحادیه عرب و نیز بیانیه دمشق (۶+۲) از ادعاهای امارات متحده عربی حمایت می‌کرد. در اجلاس ژوئن ۱۹۹۳، وزرای امور خارجه ۸ کشور امضاکننده پیمان دمشق در ابوظبی، حمایت خود را از ادعاهای امارات متحده عربی ابراز داشتند. موضع سوریه از آن زمان تغییری نکرده است و حال با بازگشت سوریه به افشوح اتحادیه عرب، بار دیگر این ادعاهای ارضی در خصوص جزایر تحت حاکمیت ایران در حضور سوریه، در بیانیه پایانی نشست‌های این اتحادیه گنجانده می‌شود.

سوریه و جنگ تحمیلی ۸ ساله

موقعیت جغرافیایی ایران در محاصره کشورهای سنی‌مذهب و عرب، همواره این چالش را برای تهران ایجاد کرده است تا برای خروج از آنچه «انزوا ژئوپلیتیک» نامیده می‌شود، در جهت ایجاد اتحادهای منطقه‌ای تلاش کند و این امر مختص به جمهوری اسلامی ایران نیست. همین امر نیز موجب شده تا در بسیاری از موارد، فضای رسانه و تبلیغات را به ادراک نادرستی از روابطمان با کشورهای هدایت کند که در مقطعی برای نیل به هدفی مشترک که همزمان منافع تهران و آن کشور همسایه را تأمین می‌کند، در کنار ایران قرار بگیرند. همین ادراک نادرست نیز باعث می‌شود تا روسیه، چین و حالا سوریه، در افکار عمومی داخل کشور، به خیانت به ایران متهم شوند.

زمانی که عراق به ایران حمله کرد، حافظ اسد با محکوم کردن این حمله گفت: «این حمله جنگی اشتباه، علیه دشمنی اشتباه و در زمان اشتباه است که می‌تواند کشورهای عربی را تضعیف کرده و آن‌ها را از یکدیگر جدا کند و از هدف اصلی که اسرائیل است، منحرف کند».

روایت غالب در خصوص روابط دمشق و تهران در زمان ۸ سال جنگ عراق علیه کشورمان این است که سوریه یکی از کشورهای منبع برای تهیه تسلیحات و تجهیزات برای ایران در زمان جنگ بود. در این رابطه محسن رفیق دوست معتقد است اولین خرید تسلیحاتی ایران از بلوک شرق در زمان حافظ اسد و همراه با افسران سوری و به نام کشور سوریه صورت گرفت تا تحریم تسلیحاتی ایران دور زده شود؛ طوری که بخشی از فرودگاه بین‌المللی دمشق به جمهوری اسلامی ایران اختصاص داده شده بود. همچنین سوریه در موضوعات اطلاعاتی نیز با ایران همکاری داشت، هرچند در ازای این تسلیحات و حمایت اطلاعاتی، از ایران نفت دریافت می‌کرد. با این حال یک واقعیت در این میان مغفول مانده است و آن نخست نقش اختلافات سیاسی شخص حافظ اسد با صدام حسین و دیگری عربی بودن سوریه است که در نهایت این کشور را به سمت خاستگاه خود سوق می‌دهد. همین امر نیز موجب شد تا دمشق به تلاش امان و ملک حسین برای میانجیگری میان رهبران دو کشور چراغ سبز نشان دهد.

فاروق الشرع، وزیر خارجه پیشین سوریه در کتاب خاطرات خود با عنوان «روایت گذشته» در خصوص جلسه سری ۱۱ ساعتی بین اسد و صدام می‌گوید: «ملک حسین شخصاً در این جلسه نشست تا جلسه پشت درهای بسته باقی بماند و جو، بین رؤسای جمهور سوریه و عراق جوی آزاد باشد. ولی خود در اتاق کناری نشست تا از نتیجه مطلع شود. ملک حسین به‌خاطر اصرار شدیدی که بر سر ماندن این دیدار داشت شخصاً از پشت در وسایل پذیرایی را به دست دو رئیس‌جمهور می‌داد ولی در هر حال آن دو نفر می‌دانستند حسین آنچه بین‌شان می‌گذرد را می‌شنود چون صداهای آن دو که از عصیانیت و پرخاش‌های متقابل‌شان بلند می‌شد به اتاق کناری و گوش حسین می‌رسید. ملک حسین، به شکلی بی‌سابقه صبوری نشان می‌داد. جلسه حول این محور دور می‌زد که پرونده اختلافات سوری-عراقی با تشکیل یک نظام سیاسی-امنیتی-اقتصادی هم‌افزا در چارچوب اتحاد سوریه-عراق-اردن، بسته شود. در این دیدار، «میثاق قومی» سابق که در سال ۱۹۷۸ بین سوریه و عراق امضا شده بود هم مجدداً مطرح گردید. این جلسه، یازده ساعت (طی دو نشست [و یک استراحت]) طول کشید و اسد و صدام طی آن دربارہ تمامی موارد اختلافی بین دو کشور و همچنین اهمیت نزدیکی مجدد دو کشور طی یک آشتی بدون غرض و مرض صحبت کردند. صدام اصرار داشت به‌عنوان پیش‌شرط آشتی بین دو کشور و پیش‌شرط گسترش روابط بین‌شان برای رسیدن به روابط هم‌افزا و وحدتی، سوریه بیانیه‌ای در محکومیت ایران صادر کند.

ولی رئیس‌جمهور اسد با این قضیه موافق نبود چون این بیانیه بدون اینکه در عمل نتیجه‌ای داشته باشد فقط باعث ایجاد سروصدا می‌شد. در عوض رئیس‌جمهور اسد معتقد بود که دو کشور با یکدیگر یک «اتحاد» تشکیل دهند که در آن صورت این اتحاد، پیام محکمی به ایران برای پایان دادن به جنگ خواهد بود زیرا با ایجاد اتحاد بین دو کشور، دیگر ایران فقط با عراق نمی‌جنگید بلکه با سوریه هم می‌جنگید. رئیس‌جمهور اسد به فرمولی فکر می‌کرد که برای همه «برد» در پی داشته باشد؛ عراق بتواند موضع خود را با مجبور کردن

پس از ۱۲ سال در نشست اتحادیه عرب در جده عربستان شرکت کرد.

دومین حضور بشار اسد در نشست این اتحادیه در اردیبهشت‌ماه سال جاری اما حاشیه‌هایی را در افکار عمومی و رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرد. این نخستین بار نیست که اقدامی از سوی سران دمشق، موجب شده است تا ابهاماتی در خصوص کیفیت روابط دو کشور در ایران مطرح شود چراکه شاید افکار عمومی دستاوردی را برای آن میزان هزینه‌های مادی و تلفات انسانی جمهوری اسلامی ایران در سوریه متصور نیست و هنوز می‌پرسد ایران در سوریه چه می‌کند؛ پیش از پاسخ به این سوال اما نخست باید به این موضوع پرداخت که آیا سوریه در موضوع جزایر سه‌گانه جانب تهران را گرفته و موضعی خلاف مواضع کشورهای عرب و حاشیه خلیج فارس دارد.

در سال ۱۹۹۲ (مرداد ۱۳۷۱) که مصادف با دومین سالگرد اشغال کویت بود، امارات متحده عربی ادعاهای ارضی خود نسبت به جزایر ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک را از سر گرفت. جزایر مذکور تا سال ۱۸۸۷ میلادی متعلق به ایران بود اما در این سال بریتانیا آن‌ها را به اشغال خود درآورد. با خروج این کشور از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱، حاکمیت ایران بر این جزایر اعاده گشت. ۲۱ سال از آن تاریخ گذشت و در طی این مدت، امارات هرگز به صورت جدی خواستار بازگشت این جزایر نشد تا اینکه بهانه‌ای از ورود آوریل ۱۹۹۲ فراهم شد و در این تاریخ، مقامات ایرانی از ورود اماراتی‌ها به این جزایر جلوگیری کردند. جنجال بزرگی علیه ایران راه افتاد و رسانه‌های عربی و اروپایی و آمریکایی دست به حملات شدیدی زدند. رادیو قاهره تا جایی پیش رفت که اقدام ایران را با حمله به کویت از سوی عراق برابر دانست و تهدید کرد که با ایران همانگونه رفتار شود که با عراق رفتار شده است. با شروع تنش، سوریه از یک‌سودرصد میانجیگری میان ایران و امارات برآمد و از سوی دیگر تلاش کرد تا روابط ایران و مصر را بهبود ببخشد زیرا مصر در میان کشورهای منطقه بیش از سایرین بر گسترش و تعمیق تنش میان ایران و امارات در مورد جزایر سه‌گانه تلاش می‌کرد. در همین راستا فاروق الشرع، وزیر خارجه سوریه در سپتامبر ۱۹۹۲ (شهریور ۱۳۷۱) وارد تهران شد و پیام حافظ اسد را تسلیم مقامات جمهوری اسلامی ایران نمود. در اوایل ژانویه ۱۹۹۳ نیز، عبدالحمید

